

پیشخوان ۱

## اسپیلبرگ در مقام فیلسوف



نشر کرگدن کتاب «استیون اسپیلبرگ و فلسفه» را با گر داوری و تدوین دین کوالسکی و ترجمه سیدحسن شریعتی در ۳۵۶ صفحه و بهای ۱۵۰ هزار تومان منتشر کرد. در باب مسئله سینما و فلسفه مباحث مهمی مطرح شده‌است.

عمده فیلسوفان و اندیشمندان عصر جدید نیز در موضوع سینما، فلسفه‌موزی

کرده و سینما و فیلم را نوعی از اندیشیدن نام گذاشته‌اند. اما اگر فلسفه‌موزی مستلزم اقامه برهان و دفاع از مقدمات و تحلیل منطقی پیش‌فرض هاست، به‌نظر می‌رسد در نقطه مقابل کاری است که بیننده عادی فیلم انجام می‌دهد.اگر چنین است، پس به چه معنا می‌توان از رابطه سینما و فلسفه سخن گفت؟ آیا سینما می‌تواند منشأ فلسفه‌موزی باشد؟ آیا سینما می‌تواند پرسش‌هایی فلسفی مطرح کند و گاه به آنها پاسخ دهد؟ نزد امریکایی‌ها هیچ فیلمسازی به‌اندازه استیون اسپیلبرگ بر فرهنگ عمومی تأثیر نگذاشته است. او سازنده موفق‌ترین ملودرام‌های سینمای آمریکااست. این کتاب بررسی و ارزیابی کارنامه ۳۰ساله اسپیلبرگ است، نه از پشت‌لنز دوربین و نظریه‌های نقد فیلم که از پشت لنز فلسفه خواننده، احتمالاً ناباورانه، در خواهد یافت که فلسفه چیزی است که به آن عمل می‌کنیم نه انبوه دانسته‌هایمان. کتاب «استیون اسپیلبرگ و فلسفه» شامل مجموعه مقالاتی است به قلم نویسندگان که کارشان تدریس و تحقیق فلسفه است. در هر مقاله، یکی از موضوعات و مسائل فلسفی در آثار اسپیلبرگ به بحث گذاشته می‌شود، موضوعاتی مانند تمایزیک، معرفت‌شناسی، اخلاق، ارزش‌شناسی، زیبایی‌شناسی، فلسفه‌سیاسی، فمینیسم و فلسفه ذهن. با توجه به‌غناي موضوعات جز‌اهالی فلسفه و منتقدان حرفه‌ای فیلم، نواموزان و علاقه‌مندان غیرمتخصص فلسفه نیز در زمره مخاطبان آنها هستند.

پیشخوان ۲

## جهانی انسانی، الهی و معنوی



کتاب «فلسفه تربیت و فلسفه مدنیت درباره انسان و اجتماع» اثر یحیی کبیر به همت مؤسسه بوستان کتاب در ۵۲۸ صفحه منتشر شد. شناخت علمی انسان و

تربیت و مدنیت او، یعنی

گام برداشتن در مسیری که انسان را به انسانیت خود پیوند دهد و راه را برای ساختن جهانی انسانی، الهی، معنوی و اعتدالی هموار سازد.نگارنده در این کتاب کوشیده است با نقد و بررسی آثار بسیاری از متفکران و فیلسوفان، فلسفه تربیت و مدنیت را با فلسفه مدنیت را درباره انسان و اجتماع مطرح کند. هدف این نوشتار، ارائه «نظمی فلسفی، عرفانی، ادبانی تربیتی و مدنیتی» برای فراگیری نقشه کامل و تربیت انسانی و اجتماع است. این اثر در ۲ بخش و ۱۷فصل تألیف شده است؛ در بخش اول که به «فلسفه انسان‌شناسی و فلسفه تربیت» اختصاص یافته، شامل ۵فصل «فلسفه تربیت و فلسفه انسان‌شناسی»، «فلسفه تربیت و آموزش و پرورش»، «مکتب فلسفی تربیتی و اخلاقی»، «فلسفه تربیت»، «بررسی نقد و نظر آرای فلسفه و فلسفه انسانی شناسی و فلسفه مدنیت» عنوان دومین بخش از کتاب مذکور است که در این فصل به «انسان‌شناسی اجتماعی» و «انسان‌شناسی سیاسی در فلسفه مدنیت» پرداخته شده است.

بازی

## نجات پهلوان طاهر



بازی «نجات پهلوان طاهر»، بازی جدید گلیم گیمز در سبک فنتزی است؛ این بازی شبیه به بازی‌های قبلی گلیم گیمز بوده اما با داستانی متفاوت گیمز در این بازی در نقش غلام باید مغازه پروتئینی پدر را اداره کند و در این بین به پروژه عجیب پدر بزرگ هم کمک خواهد کرد. پدربزرگ غلام نزدیک به ۴۰سال است که بر روی یک پروژه کار می‌کند تا بتواند به گذشته سفر کند. گیمز در نقش غلام باید به پدربزرگ کمک کند تا این پروژه را به اتمام برساند. به جز کمک کردن و خرید اقامت مورد نیاز پدربزرگ، باید کارهای دیگری هم در روند داستان انجام دهید. برای خرید وسایل هم نیاز به پول دارد. منبع درآمد گیمز مغازه پروتئینی پدر است که گیمز باید در آنجا کار کند و با پول به دست‌آورده، مراحل را پشت سر بگذراند. قابلیت‌های جدیدی مانند دویدن در خیابان و میز چرخ‌گردن و خرد کردن در مغازه، به بازی اضافه شده‌است. گیمز در مغازه باید سفارش مشتری را آماده کند؛ از آنجا که گیمز در یک پروتئینی کار می‌کند و کالای اصلی گوشت است، سفارش برخی از مشتریان کمی متفاوت است. برخی از آنان می‌خواهند کالای مورد نیازشان خرد شده یا چرخ‌شده باشد. این قابلیت جذاب در یک میز صورت می‌گیرد. کاربر پس از دریافت کالا باید به سمت میز حرکت کند و کالا را خرد یا چرخ کند. البته بازی کار گیمز را با دگمه‌هایی میانبر آسان کرده و می‌توانند سریع در کارهای خود را انجام دهند. کیفیت گرافیکی بازی نسبت به بازی‌های قبلی پیشرفت چشمگیری داشته‌است. البته برخی مشکلات مانند قیمت بالای اجناس، هنوز بر طرف نشده‌است.

مقاله حمیده محمودزاده مدرس دانشگاه

آسمان است. من این تأثیر پذیری را در تر کی‌بندی عناصر و المان‌ها، همچنین جنسیت نداشتن پرسوناژ اصلی، تجسد بخشیده‌ام.»

عناصر اصلی این تابلو که در سطحی افقی گسترانده شده‌اند، شامل فیگوری انسانی است در حالی که نی در دست دارد، به علاوه، عناصر بصری این فیگور را احاطه کرده‌اند، همچنین بال‌های فرشته که در سمت راست تابلو می‌بینیم فرمی شبیه نیم‌دایره دارند.

صادقی درباره دلیل انتخاب کادر و توصیف عناصر اصلی تابلو اینگونه توضیح می‌دهد: «تعمداً، کادر را مستطیلی\_افقی انتخاب کردم، برای اینکه فضای کافی برای گستراندن بیان روایت‌گونه‌ام داشته باشم... فیگور اصلی که در سمت چپ تابلو ملاحظه می‌کنید، متأثر از نگارگری ایرانی است و به همین دلیل به گونه‌ای اجرا شده که جنسیت آن قابل تشخیص نباشد. صورت ظاهری این شخصیت به شکلی است که دارای اقتدار مرانه و لطافت زنانه، به‌صورت توأمان، است. این فیگور برای من در حقیقت تجلی وجود امام(ره) است. امام(ره) برای من، به‌عنوان مظهر یک انسان ایده‌آل است. و این در داستان او تنها ابزاری است برای اینکه روحی که باری تعالی در او دمیده، به‌واسطه نوای نئی، در هستی، متجلی و متکثر شود.

نقاش حضور نی را در تابلوی خود اینگونه توضیح می‌دهد: «نی، از جهت فرمی، شبیه حلق و گردن انسان است. در قرآن گفته شده که شما نایی بودید که به فرمان من در شماروچ دمیده شد و در حنجره شما آوای من است. بنابراین، نی برای من واسطه‌ای است برای مادیت‌بخشیدن به طنین الهی که توسط انسانی نواخته می‌شود که می‌تواند آوای آن را به صدا درآورد.»

هنرمند در توصیف دیگر المان‌های اثر اینگونه ادامه می‌دهد: «فرشته به‌عنوان یک مقام ناظر و یک حقیقت والا مرتبه، زمین را فریاد می‌زند. حس بر گردن او، به نوعی ارجاع زمین به آسمان که حضور او موجب می‌شود، فضایی لاهوتی و آسمانی به اثر بخشیده می‌شود. او ناظر بر انسان است و هم متأثر از آوای سازنی او، جو خشن بال فرشته برای من هنر مند، به نوعی بال جبرئیل، بال سیمرغ و بال طالووس است. من اثرم را همانند یک ملودی می‌بینم که بر مبنای نتهای موسیقایی شکل گرفته است و در فرم‌های دایره‌وار، زمین را فریاد می‌زند. حس بر گرفته از نتهای موسیقایی به شکل فرم‌ها و سطوح رنگی در این اثر متبلور شده‌است. موسیقی و نی شاکله این اثر هستند. حنجره، انتشاردهنده این نوای موسیقی است؛ نوایی که از منشأ آلی در حنجره دمیده شده است.» او همچنین درباره شخصیت فیگورهای این اثر و دیگر آثارش توضیح می‌دهد: «تابلوهای من حامل شخصیت‌هایی هستند سیاه یا سفید و یا هر دو، در نقاشی‌های من، شخصیت خاستگری جایگاهی ندارد.» از دیدگاه صادقی، این اثر اگرچه به یک واقعیت تلخ اشاره می‌کند اما همچنین صدقاً آیه شریفه «و نفتح قبه من روحی» است. او در تبیین این مسئله می‌گوید: «عالم، تجلی الهی است. رواقع خداوند با کلمه «کن» جهان را فرآید، یعنی کل عالم ممکنات و کل هستنی از ملک و ملکوت و ناسوت و جبروت و لاهوت، از عرش تافرش، از ذره تا کهکشان، همه

# فرهنگ



تابلوی «هجران شماره یک»، میکس مدیا

# ملودی فرم

تحلیل پرده نقاشی «هجران شماره یک» اثر زنده یاد حبیب‌الله صادقی

هستی کائنات، تو گوئی که بنفخه الهی است. ماصدرا معتقد است که از حقیقت وجود، چیزی در همه موجودات و اشیای عالم است که اگر آن نباشد هیچ شیئی موجود نیست و وجودیت آنها وابسته به آن است و از آن تعبیر به «ففسر الحمان» می‌کند، و هر چیز به واسطه همین تبدیل به چیز دیگری می‌شود که برای ما قابل درک نیست.»

به گفته نقاش، در فاصله رحلت امام(ره) تا زمان خلق این تابلو که چیزی حدود ۸ماه پس از آن بوده است، او مراحل مقدماتی و پیشانقاشی را که شامل اجرای اسکسکس‌ها و اتودهایی بوده، طی کرده‌است. سبک نقاش در اجزای این پرده نقاشی اینگونه بوده که ابتدا با استفاده از اتود و اسکسکس روی جزئیات عناصر بصری اصلی و ارتباط آنها با یکدیگر مطالعه کرده و در نهایت به ساختار کلی و تر کی‌بندی اثر دست پیدا کرده است. اما از آنجا که صادقی تمام اسنادی را که می‌توانست مسیر آفرینش اثر را ترسیم کند، از بین برده بود، هنگام مصاحبه با نگارنده، اقدام به بازآفرینی آنها کرد. در این بخش، بر مبنای این بازسازی و تحلیل این اثر، پر داخته می‌شود.

**تحلیل بر مبنای بازسازی اثر**

سبک و شیوه اجرای عملی نقاش در این تابلو و در مرحله پیشانقاشی بدین شکل بوده که ابتدا اتود اولیه آن را با ناخن روی قوم ترسیم کرده است. صادقی ملاحظه می‌شود که در مراحل کادر انتخابی توسط صادقی افقی تر و در راستای نزدیک‌شدن به اثر نهایی است. اما در خصوص تکنیک این اثر، از آنجا که در زمان شکل‌گیری پرده نقاشی «هجران شماره یک» مستندسازی تصویری شامل عکاس یا تصویربرداری از مراحل اجرای آن بر سطح نهایی اثر انجام نشده است، می‌تواند در حد حدس و گمان‌های حدسی باشد. در اتودی که به واسطه گراف روی کاغذ نهاده‌شده روی قلم اجرا شده، همچنین اتودی که مستقیماً روی کاغذ به انجام رسیده است، در وهله نخست، تلاش‌های نقاش برای دست یافتن به جزئیات عناصر تر کی‌بندی مشاهده می‌شود. هنرمند در تکاپو برای دست‌یابی به مشاهده حاکمی از تلاش نقاش برای رسیدن به گونه‌ای در فضای محدود گنجانده شده‌است که گویی در حال خارج‌شدن از کادر است. در این دو اتود، مشاهده می‌شود که زاویه صورت فیگور نیز تغییر می‌کند. این مسئله حاکی از تلاش نقاش برای رسیدن به ساختار و تر کی‌بندی مناسب عناصر بصری اصلی در این اثر است. از طرفی، در اتود دیگر ملاحظه می‌شود که نی‌زن در فضایی رئالیستی تر نسبت به تابلوی نهایی قرار دارد. به زعم صادقی، در این مرحله تمرکز او بیشتر روی رعایت تناسبات و دست‌یافتن به فیگور آرمانی خود است. تمهد او نسبت به رئالیسم آثارش و علاقه او به این سبک، در این اسکسکس نیز مشاهده می‌شود. این مرحله برای هنرمند، مرحله تردید است؛ چراکه در تجسدبخشی به المان‌های اثرش، هنوز به قطعیت نرسیده‌است.

در آتود بعدی، تر کی‌بندی اثر، از حالت عمودی به افقی تغییر می‌کند. به علاوه، فضایی که فیگور در آن قرار می‌گیرد نیز وسیع‌تر می‌شود. المان‌های جدیدی که هنرمند در این مرحله به اتودهای خود اضافه می‌کند، اثر را به چندین سطح تقسیم کرده‌است. این تقسیم‌بندی به‌واسطه سطوحی مدور که در اثر تباط بافیگور و عناصر پس‌زمینه هستند شکل می‌گیرد. در فرایند تکوین و پیدایش این اثر، صادقی علاوه بر اتود، اسکسکس‌هایی را نیز اجرا کرده‌است. در این



اسکسکس‌ها، بیش از آنکه جزئیات عناصر بصری تابلو دیده شود، کوشش‌ها و تقلاهای نقاش برای دستیابی به ساختار و تر کی‌بندی کلی و انتخاب کادری متناسب با اثر ملاحظه می‌شود. در اسکسکس اول، در پایین صفحه، حضور فرم فرشته در اثر به تدریج نمایان می‌شود. همچنین در کنار آکادر، اسکسکسی اجرا شده است که ریتیم ایجادشده توسط نی‌ها را نشان می‌دهد. به علاوه، مشاهده می‌شود که روی سطح اثر تقسیم‌بندی‌هایی به واسطه خطوط قطری، افقی و عمودی صورت پذیرفته است. به زعم نقاش، این بخشی از تکنیک او در مرحله پیشانقاشی است. از طرفی، آنچنان که در اسکسکس‌های بعدی دیده می‌شود، استفاده از مداد رنگی، تلاش‌های نقاش را برای دست‌یافتن به پالت رنگی اثر کاملاً نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که در هر مرحله، کادر انتخابی توسط صادقی افقی تر و در راستای نزدیک‌شدن به اثر نهایی است. اما در خصوص تکنیک این اثر، از آنجا که در زمان شکل‌گیری پرده نقاشی «هجران شماره یک» مستندسازی تصویری شامل عکاس یا تصویربرداری از مراحل اجرای آن بر سطح نهایی اثر انجام نشده است، می‌تواند در حد حدس و گمان‌های حدسی باشد. در اتودی که به واسطه گوی حضوری که نگارنده با نقاش داشت، او تکنیک و سبک عملی خلق این اثر را در تابلوی دیگری اجرا کرد و این امکان را فراهم آورد تا حدودی مراحل تکوین اثر مذکور از جهت تکنیک و سبک اجرا برای خواننده ترسیم شود.

صادقی می‌گوید: «این نقاشی با تکنیک آل‌پریما اجرا شده است. ابتدا طرح اثر را بر مبنای آخرین اتود یا اسکسکسی که به‌نظرم متناسب می‌رسد، با پاستل بر سطح بوم پیاده می‌کنم. در این مرحله، تلاش می‌شود به تر کی‌بندی کلی اثر دست پیدا کنم. سپس با استفاده از یک رنگ محدود (غالباً خاکستری)، قلم‌مو و روغن بزرک، شروع به رنگ‌گذاری و تغییرات روی طرح می‌کنم که با پاستل بر سطح بوم ترسیم کرده‌ام. هم‌زمان، با استفاده از پاستل روی این فضاها دیواره و چندپاره طراحی می‌کنم. سپس با استفاده از پارچه، اُفت‌هایی مؤثر و در راستای اهداف نقاشانه‌ام به اثر می‌دهم. همچنین نیز گی-روشنی‌ها را معلوم می‌کنم. در این مرحله تابلو را به سطوح رنگی مختلف تقسیم می‌کنم. این هم‌زمانی طراحی با پاستل روی بوم آغشته به روغن بزرک و تکرار این چرخه، منجر به شکل‌گیری هایلات‌هایی در سطح اثر می‌شود. در نهایت، با استفاده از استون و تینر ۱۰۰۰۰ (به‌عنوان خشک‌کن)، رنگ‌ها را مستقیماً روی بوم می‌گذارم. اگر چه در زمان خلق این پرده نقاشی، چنان که باید، بدان پرداخته نشد اما از نکات قابل توجه، قدردانی آقای که‌های‌چی اوریوزو از این اثر است. اوریوزو در آن زمان رئیس وقت دانشکده هنرهای زیبای توکیو بود. او در این تابلو را در دوسالانه نقاشی ایران دیده بود، در قدردانی از این اثر گفته است: «زمانی که خداوند نی می‌نوازد، انسان با نوا بی‌متولد می‌شود و سپس باز به سمت خداوند بازمی‌گردد. و خداوند کسانی را که رنج می‌کشند یا همچون اهوئی نحیف گریه می‌کنند، حمایت می‌کند.» صادقی می‌گوید: «ایشان از من خواستند که در سلبقه هنر‌های ظریفه توکیو شرکت کنم. به‌علاوه، این اثر را قالب نقاشی دیواری در یکی از دیوارهای پارک هاراچیکو در توکیو اجرا کنم... به قدری تابلوی نقاشی بنده مورد توجه ایشان قرار گرفته بود که از من خواستند اجازه دهم، نشانی را با اندک تغییراتی از روی این تابلو ساخته و به سازمان ملل اهدا کنند.» تصویر ۱۲ نشانی است که بر اساس این تابلو ساخته شده است.



نشان‌ها، یکی به سبک آل‌پریما

یادداشت

نگاهی به کتاب

«زندگی روزمره ژاپنی‌ها در دوره سامورایی‌ها»

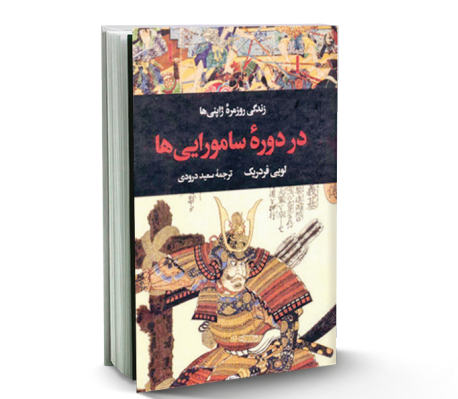
### طلوع اجتماعی نوین

ژاپن امروزی به‌عنوان کشوری شناخته می‌شود که مهد انواع و اقسام تکنولوژی و پیشرفت‌های اعجاب‌انگیز است. اما آیا کشور ژاپن همیشه با چنین ویژگی‌هایی در طول تاریخ شناخته می‌شده است؟ مردم عادی ژاپن در اعصار گذشته چگونه روزگار می‌گذرانند و چگونه مردمانی بودند؟ کتاب «زندگی روزمره ژاپنی‌ها در دوره سامورایی‌ها» نوشته لویی فردریک ترجمه سعید درودی که به تازگی توسط انتشارات نگاه منتشر شده، می‌تواند پاسخگوی چنین سوالاتی باشد. ژاپنی‌ها در طول اعصار، تحولات فراوانی را از سر گذرانده‌اند؛ بارها بخت و اقبال به سراغشان آمده و سپس از ایشان رویگردان شده و کرارا به فلاکت افتاده‌اند. برای درک آنچه بر آنها گذشته مذاقه در حیات اجتماعی مردمان دوره‌ای که شوگون‌ها در ژاپن قدرت داشتند ضروری است. سامورایی‌ها در دوران جنگ‌های داخلی (مصادف با قرون وسطی در اروپا) قدرت گرفتند و به طبقه‌ای مهم و ممتاز در ژاپن تبدیل شدند که وجودشان هم ضامن امنیت بود و هم برهم‌زننده آن. آنها در خدمت شوگون‌ها بودند و قدرت این حاکمان در سایه ر نمایش می‌دادند.

غیر از امپراتور و دربارش، جامعه ژاپن به ۲بخش تقسیم می‌شد: اشراف و توده مردم. گروه اشراف از اصیل‌زادگان و اکثر فرقه‌های مذهبی تشکیل می‌شد که هیچ‌گونه شناختی از توده مردم نداشتند. تا سده دوازدهم میلادی، فقط طبقه اشراف و نجبا بود که بر جامعه فرمان می‌راند و همه امور کشور را تعیین می‌کرد. اشراف اکثراً باسواد بودند، در امور هنری دست داشتند، قوانین را وضع می‌کردند، خود را با مسائل دینی و اخلاقی سرگرم می‌ساختند، افرادی از امش‌طلب و صلح‌دوست بودند، همه اراضی کشور در مالکیت‌شان بود و از درآمد آنها بهره‌مند می‌شدند و با کمک واسطه‌های گوناگون با کشوره‌های خارجی (یعنی ۱۲کشور چین و کره) تجارت می‌کردند. اما توده مردم بی‌سواد بودند، زمینی از خود نداشتند تا از ثمراتش بهره ببرند، کمرشان زیر بار سنگین انواع مالیات‌ها و عوارض خم شده بود و برای ادامه زندگی چیزی نداشتند، جز سنن و آداب و رسومی که از دوران کهن به جا مانده بود. ولی یکی چیز در وجودشان بود که در اشراف و نجبا به چشم نمی‌خورد: توده مردم علاقه‌ای در عمیق به زمینی نداشتند که ارباب به آنها اجاره داده بود و روی آن زحمت می‌کشیدند و کار می‌کردند؛ به درخت‌ها و جنگل‌های این اراضی عشق می‌ورزیدند؛ براساس آموزه‌های دینی، گوهار را می‌پرستیدند؛ عاشق درختان شکوفای فصل بهار بودند و به رنگ‌های آتشسین و شگفت‌انگیز فصل پاییز علاقه‌های عجیب داشتند.

از دیدگاه اشراف و نجبا، مردم عادی موجوداتی شگفت‌انگیز بودند؛ اگر یکی از نجبا در راهی به یکی از کشاورزان برمی‌خورد، از مشاهده او تعجب می‌کرد و با حالتی مشحون از حسادتگی از خود می‌پرسید این چگونه جانوری است؟! مردم عادی غرق در فقر بودند، به کارشان عشق می‌ورزیدند، بلندنظر بودند، بسه ضوابط اخلاقی پایبندی داشتند، در همه کارها شجاعت به خرج می‌دادند و مسرگ را خوار می‌شمردند. و از میان همین طبقه فقیرزده و بی‌چیز بود که اندیشه‌های اجتماعی نوینی طلوع کرد و ساختار اجتماعی ژاپن شکل کاملاً متفاوتی یافت. در اواخر سده دوازدهم، اوضاع اجتماعی ژاپن دگرگون شد، اما این تحول زاینده فعالیت‌های طبقه ویژه‌ای نبود، بلکه نتیجه طبیعی رویدادهایی بود که هیچ‌یک از طبقات اجتماعی، به تنهایی، خواهان آن نبود و در آن نقشی نداشت.

طرز فکر ژاپنی‌ها، چه در زمینه سیاست و چه در زندگی روزمره، شاید با شیوه فکری ما غربی‌ها تفاوت داشته باشد. در حقیقت، از بعضی جهات نیز واقعا متفاوت است. شاید روش فکری ژاپنی‌ها را نتوان د کارتی خواند، ولی هرچه هست بسیار کارایی دارد. این نکته را هم نباید از یاد برد که معیارهای ژاپنی‌ها در سده‌های میانه، روی هم رفته، شبیه ضوابط امروزی‌شان نبوده و حتی می‌توان گفت در همان دوره قرون وسطی معیارهای ژاپنی با معیارهای معاصران اروپایی‌شان تفاوت داشته است. برای شناخت یک نژاد و درک ویژگی‌های قومی آن روش‌های بسیار زیادی هست. ملل سراسر جهان درباره کشور ژاپن عقاید و دیدگاه‌های فراوان و متفاوتی دارند، ولی پیش از همه خود ژاپنی‌ها درباره وطنشان نظریه‌هایی متعدد و ضدونقیض ابراز می‌کنند. برای رسیدن به این نتیجه بررسی مسائل‌ها و ضدیت‌های ژاپنی‌ها در طول تاریخشان ضروری است لازم نیست، بلکه فقط کافی است نگاهی اجمالی بیندازیم. بر ب کتب تاریخی ژاپنی که از دوران گذشته به جا مانده‌اند و بر از عقاید متنوع و متضاد درباره ژاپن هستند. با در نظر گرفتن این نکته، تاریخ سیاسی ژاپن و نیز تاریخ غیرسیاسی آن، تبدیل می‌شود به زندگی نامه افرادی که حیاتشان، در تاریخ این کشور، شبکهای پیچیده و فنانا پذیر خلق کرده؛ شبکهای که تاروپودش از اقدامات سست‌رگ و رویدادهای بزرگ تشکیل می‌شود و تاریخ ژاپن را با رنگ و لعابی زیبا و چشم‌نواز می‌آراید. چگونه می‌توان زندگی این ملت را در عصر سامورایی‌ها که در ۱۴قن طول کشید، توصیف کرد؟ به‌نظر می‌رسد مقدر بوده ژاپنی‌ها تحولات فراوان از سر بگذرانند، بارها بخت و اقبال به سراغ‌شان آید و سپس از ایشان رویگردان شود و کرارا به فلاکت بیفتند. در جهان کمتر ملتی را می‌باییم که در طول تاریخش چنین افت و خیزهایی را تجربه کرده باشد.



هجران شماره دوم، رنگ روغن